

چهره شاخص وحدت حوزه و دانشگاه

حجت الاسلام دکتر رسول جعفریان

استاد تاریخ دانشگاه تهران و عضو فرهنگستان علوم



آن را می‌دانند. بسیاری از روی ملاحظات خاص سیاسی در این باره مطالبی گفتند و به صورت یک وظیفه روزمره از آن سخن می‌گویند. اما آقای واعظزاده در کنار همه کارهای علمی خود، در این زمینه فردی خلاق، مبتکر و فعال بود. این را هم باید اضافه کرد که ایشان در این زمینه، عنصری ذهنی نبود؛ بلکه مرد عمل هم بود و طی سال‌های متمادی که ریاست تقریب را داشت، کارهای جدی کرد.

آیت‌الله محمد واعظزاده خراسانی به تمام معنا، مصداق نوعی وحدت روبه میان علوم دینی و انسانی در حوزه و دانشگاه بود. هم درس حوزه را بخوبی خوانده و درک کرده بود و هم با روش‌های جدید دانشگاهی آشنایی داشت. به همین دلیل در فضای علمی بعد از انقلاب، توانست به یک عنصر مؤثر تبدیل شود. آقای واعظزاده اهل اندیشه و تفکر بود و می‌کوشید این تفکر را در جامعه ایرانی و همراه با انقلاب، در یک تصویر درست و معقول به مردم عرضه کند. به هر روی فکر می‌کنم اگر وحدت حوزه و دانشگاه معنایی داشته باشد و این بیشتر در علوم دینی مشترک میان این دو مرکز تلقی شود، آقای واعظزاده چهره شاخص آن خواهد بود.

شاید بشود گفت آقای واعظزاده تنها با از محدود کسانی در ایران بود که به درستی با معنای تقریب و لوازم آن آشنا بود. در ایران، افراد بسیاری از تقریب سخن می‌گویند که در واقع، نه معنای محصلی از آن در ذهن دارند و نه لوازم و تبعات واقعی

شاگرد مقرب و درجه یک آیت‌الله بروجردی

حجت الاسلام سید ابوالحسن نواب

مؤسس دانشگاه ادیان و مذاهب



بالا برود. ایشان صاحب سر آیت‌الله بروجردی بودند. همه مکاتبات ایشان را آماده می‌کردند و در امر تقریب معتمد آقای بروجردی بودند. ویژگی بعدی، نظم فوق‌العاده ایشان بود. چهره‌ای معمم بودند که مثل یک استاد دانشگاه منظم رفتار می‌کردند. فکر کنید ۴۰۳۰ سال در دانشگاه درس داده، ۱۰ سال در کار تقریب بوده و بعد از آن به مرکز پژوهش‌ها آمده و به طور منظم کار تحقیقی می‌کند. در این راه فرد باید اهل تحمل باشد و این ویژگی بارز ایشان بود. چون اهل سنت را خوب می‌شناختند، فاصله زیادی بین شیعه و سنی قائل نبودند. در خیلی از نقاط که با سنی‌ها مشکل داریم به خاطر این است که آنها را خوب نشناخته‌ایم. هر کس اهل سنت را خوب بشناسد، همه اهل سنت را بشناسد و بدنه اهل سنت را بشناسد و با فکر معتدل اهل سنت را بشناسد، درمی‌یابد که بدنه اهل سنت، همه عاشق اهل بیت هستند. وقتی آنها را دقیق بشناسیم اصلاً ذهنیت‌مان نسبت به آنها عوض می‌شود. ایشان «قرآنی» و «علامه» بودند؛ علامه به کسی می‌گویند که فقه، اصول، معارف کلامی، قرآن، تاریخ و سیره بدانند. البته جلوه قرآنی در ایشان پررنگ‌تر بود و در این زمینه خیلی قوی بودند، ایشان یک عالم پرکار، منظم، پرتحمل و خوش فکر بودند و ۵۵ سال پیش در مورد اهل سنت کتاب نوشتند و تفاوت‌های ما با اهل سنت را تبیین نمودند.

من آقای واعظزاده را تقریباً از سال ۱۳۵۰ می‌شناسم. ایشان در سال ۵۰ شمسی مسئول برگزاری کنگره هزاره شیخ طوسی در دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی بودند. من هم جوان و کنجکاو بودم و با ایشان از آنجا آشنا شدم. البته این شروع آشنایی ما بود که به قبل از انقلاب برمی‌گردد و بعداً در مجمع تقریب در خدمت ایشان بودیم.

آیت‌الله واعظزاده از شاگردان مقرب و درجه یک آیت‌الله بروجردی بودند. برای مصاحبه در مورد تقریب و وحدت نزد آیت‌الله سبحانی رفته بودند، ایشان فرمودند: نزد آیت‌الله واعظزاده بروید که صاحب سر آیت‌الله بروجردی در مسأله وحدت بودند. وقتی آقای خواستند به آقای تسخیری حکم دهند، یعنی بعد از اینکه آقا اجازه دادند آقای واعظزاده استعفا بدهند و آقای تسخیری روی کار بیایند، برای ایشان نوشتند: «اکنون که علامه فرزانه، آیت‌الله واعظزاده از دبیرکلی مجمع تقریب استعفا داد، جناب عالی را...» این تعبیر «علامه» تعبیری فوق‌العاده است. محصول عمر ۸۰ تا ۹۰ سالگی ایشان معجمی است در قرآن که به عنوان یکی از افتخارات شیعه در خواهد آمد و هم‌اکنون در مرحله انتشار است. آقای واعظزاده در ۸۹۸۷ سالگی مثل یک جوان، صبحانه یک لیوان شیر می‌خورد و به مرکز پژوهش‌ها می‌آمد و تا ظهر ساعت ۲:۱ مشغول بود. ایشان ذهن و تمام وجودش را به میدان می‌آوردند و این اواخر کار اجرایی را کنار گذاشتند و بیشتر کار علمی می‌کردند. حجم انبوهی از تولیدات علمی و سخنرانی‌ها و گفت‌وگوهای ایشان موجود است.

ویژگی دیگر آیت‌الله واعظزاده این است که ایشان اهل سنت را عمیق و دقیق می‌شناختند؛ مسافرت‌های زیادی داشتند و این یکی از عواملی بود که باعث شد معرفت ایشان از اهل سنت سطحی نباشد. وجه انتخاب ایشان در مجمع تقریب هم اطلاع دقیق ایشان از اهل سنت بود. این ویژگی را آیت‌الله بروجردی در ۳۵ یا ۴۰ سالگی ایشان دریافتند. ایشان مقدمات ملاقات شیوخ الزهر با آقای بروجردی را فراهم می‌کردند. همان ارتباطات باعث می‌شد شناخت ایشان از اهل سنت

